

دولت قوم پرست و جنایتکار اسرائیل را باید به

زیر کشید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۴

حکمتیست

۲۰۴

۹ آوریل ۲۰۱۸ - ۲۰ فروردین ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

”کنگره وحدت“، کنگره انحلال!



فواد عبداللهی

حاکمیت است. اگر بخش درون حکومتی میتوانست و قدرتش را داشت محال بود اخوی هایش را در قدرت راه ندهد. امروز فرخ نگهدار و عفت ماهباز و بیژن حکمت و بابک امیرخسروی مانند تاجزاده و حجاریان و نبوی صاحب منصب در دستگاههای حکومت بودند. کنگره اخیر عالیجنابان چیز جدیدی مستقل از این تاریخ راجع به ”وحدت“شان نمیگوید. اما کنگره مذکور در واقع چیزی جز منسجم کردن دوباره این جریانات رانده شده از جناح ”اصلاح طلبان“ حکومتی نبود. درست همانگونه که جناح ”اصلاح طلبان“ حکومتی، از تاجزاده و حجاریان تا مخملباف و غیره به دنبال خطر خیزش های دیمه و عبور جامعه از ”اصلاحات“ مشغول سر و سامان دادن به صفوف آشفته خود، در پی یافتن مجالی دوباره برای جولان در عرصه سیاست در حاکمیت اند، ...

است که برای خود انتخاب کرده اند؛ بلکه در اعلام دوباره پیوستن این جریانات و احزابی است که همگی آنها تاریخا و بلا استثنا از یک سنت و یک مخرج مشترک تحت نام جنبش ملی - اسلامی تغذیه کرده اند. بار دیگر معلوم شد که اتفاقا مکتب توده - اکثریت در واقع بستر اصلی رشد کل اعضای این جنبش ملی - اسلامی و خط دهنده به تمام عناصر ظاهرا منفرد در این طیف بوده است. حیات و فعل و انفعال سیاسی این طیف با حمایت از خینی و دولت موسوی، با رژه رفتن پشت رفسنجانی و تز ”ایران ژاپن میشود“، و نهایتا با پرچم دو خرداد و خاتمی و دولت اعتدال روحانی قابل توضیح است. بخشی از این جنبش در ایران حکومت میکند و عدم حضور امروز این عالیجنابان در حکومت و پرتابشان به صف اپوزیسیون مانند امثال جناب بنی صدر، محصول تسویه حسابهای درون

به دنبال خیزش محرومین در دیمه گذشته در شهرهای ایران، سرآسیمگی و شتاب جریانات، سازمانها و احزابی که تا همین چند ماه پیش قربان صدقه جمهوری اسلامی می رفتند و رادیکال ترین خواسته و شعارشان محدود کردن ولایت فقیه بود، حیرت آور است. ”کنگره وحدت“ که هفته گذشته اساسا زیر چتر سازمان فداییان اکثریت در شهر کلن آلمان برگزار شد و به پیوند دوباره این بخش از شاخه های گوناگون جنبش ملی - اسلامی انجامید، حاصل تپایی است که از خیزش محرومین و مردم سرنگونی طلب خورده است. آخرین قلابی است که به دیوار چاه نابودی پرت کرده اند تا شاید خودشان را حفظ کنند و بالا بکشند. خاصیت واقعی این کنگره نه در مباحث ”کشاف“ آن، نه در اختلافات تاکتیکی این و آن حزب و شاخه از جریانات شرکت کننده در آن، و نه حتی در اسم پرطمطراقی



ادامه جنگ در سوریه نگاهی به اوضاع منطقه

امان کفا

تصاویر جنگ در سوریه، اخبار و ضد اخبار در مورد استفاده از گازهای شیمیایی در مناطقی که تحت اختیار دولت سوریه نیست، از یک طرف، و حمله موشکی به نیروهای هم پیمان با ارتش سوریه از طرف دیگر، همچنان ادامه دارد. امروز دیگر بی اعتباری آن اشک تمساح ریختن های دفاع از مردم سوریه و جنگ علیه دیکتاتوری بشار اسد، عروج داعش و سپس جنگ علیه داعش، و ده ها ادعا و خط قرمزهای متعدد، نزد همه آشکار شده است. امروز کسی نیست که نداند که این جنگ با حضور مستقیم قدرت های امپریالیستی، و یا توسط نیروهای گوناگون محلی و منطقه ای شان، به پیش برده شده است و کوچکترین ربطی به مردم سوریه و زندگی و آینده آنها نداشته است. جنگی که با کشتار وسیع مردم، با تحمیل بی خانمانی و آوارگی بمراتب وسیعتر از جنگ خلیج در عراق، منجر به از هم پاشیدن کل شیرازه جامعه سوریه شده است.

داد و بیدادها و تشر زدن های امروز ترامپ علیه بشار اسد و نیروهای ایران و بعضا روسیه را نیز، باید همچون اظهارات کمی قبل تر او در مورد خروج نیروهای آمریکا از سوریه را در ادامه همان پروسه جنگ در سوریه دید. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

در کنگره نهم حزب حکمتیست (خط رسمی)**شرکت کنید****کنگره نهم حزب حکمتیست (خط رسمی) در نیمه دوم آوریل ۲۰۱۸****در اسکاندیناوی بطور علنی برگزار میشود.**

شرکت در کنگره نهم حزب برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند در کنگره حضور یابند.

ما همه احزاب، شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی و ... را به شرکت در کنگره نهم دعوت میکنیم. شرکت در کنگره حزب فرصت مناسبی برای حضور در بالاترین اجلاس حزب و آشنایی از نزدیک با حزب، سیاستها، مباحث و اولویتهای حزب است. این مهم خصوصا در شرایط متحول و تعیین کننده امروز که خیزش توده ای دوره اخیر استمرار شدگان و محرومین جامعه ایران، یک بار دیگر ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی را به عنوان قدم اول در راه هر نوع بهبود زندگی و رفاه و آزادی را به اصلی ترین مسئله سیاسی روز تبدیل کرده است، جایگاه ویژه ای دارد.

جهت ثبت نام و دریافت جزئیات بیشتر لطفا با ای میل زیر تماس بگیرید.

hekmatistparty@gmail.com

ورودیه برای هر نفر، برای دو روز جلسه و پانسیون کامل معادل ۱۰۰ پوند انگلیس است.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ بهمن ۱۳۹۶ - ۱۲ فوریه ۲۰۱۸

”کنگره وحدت“، ... (البته اگر مجالی مانده باشد!)، ”کنگره وحدت“ نیز باریکه ای برای ادامه حیات این طیف از حاکمیت رانده شده در جنبش ”اصلاحات“ بود.

حقیقتا طبقه حاکم و مدافعان وضع موجود، از پوزیسیون تا اپوزیسیون، از جماران تا لوس آنجلس و از مسجد تا دیسکوتک، از خیزش محرومین ایران در دیماه گذشته به وحشت افتاده اند. شتاب بخش بیرون از قدرت آنها نه برای سرنگونی و یا برکناری جمهوری اسلامی، که ”توصیه“ هایی برای ممانعت از تکرار آن تجربه و ترس از دخالت وسیع طبقه کارگر در امر سیاست است.

با آغاز خیزش محرومان در دیماه گذشته که خشت های حاکمیت جمهوری اسلامی و هر دو جناح آن را نشانه گرفت، اپوزیسیون پرو رژیم انگشت به دهان مانده زیر چتر سازمان اکثریت تحت نام ”کنگره وحدت“ گرد هم آمدند تا مخروبه جنبش ”اصلاحات“ شان را وقیحانه تحت نام ”چپ“، دستی بکشند. کل لشکر ”مردم سالاری دینی“ دوباره متحد شدند و به صرافت تشکیل سازمان جدیدی افتادند که بتوانند بیرق اصلاح رژیم را کماکان زنده نگه دارند. رفتند تا دوباره فرمایشات نغز برادران و خواهران

”اطلاح طلب“ در حاکمیت را گوش کنند: ”اصلاحات مرد، زنده باد اصلاحات“ ... تا نفرت از کمونیسم و انقلاب و کارگر و محرومین و مدرنیسم و مدنیت غربی را دوباره جار بزنند؛ درست همانگونه که علیه انقلاب ۵۷ و در رکاب جمهوری اسلامی فعالانسه جهت سرکوب آرمانهای آن انقلاب دست بکار شدند، امروز نیز تنها اراده ثابتی که نزد اینها دیده می شود، توجیه وضع موجود است. صدای عبور جامعه از هر دو جناح و حکم به سرنگونی نظام را شنیده اند و بد جوری هم شنیده اند. باز دنبال راه حل های پوچ و تقلاهای بی فرجام برای نجات تاج و تخت لرزان سرمایه داری ایران هستند. محرومین را می بینند که دارند جلو می آیند، دنبال راه حلی هستند که ضرر سرنگونی را به حداقل برسانند. می خواهند آب قاطی آن کنند و آن را رنگین کنند تا به جای زیر و رو کردن دستگاه نظامی - اداری و تبلیغی حاکم و به قدرت رسیدن کارگران و شوراها مسلح مردم، به تعویض چند نفر با چند نفر دیگر در عین حفظ بنیان های ماشین دولتی، محدود شود. محرومین به خیابان بیایند، اما نه برای فتح کاخ ها و پادگان ها و وزارت خانه و استقرار قدرت خودشان، فقط برای عزل

مردبانه یکی و تفویض مردبانه تر پست او به دیگری!!

سخن آخر، خیزش محرومین در دیماه کاری کرد دای جان ”کنگره وحدت“، میروند که به سلف خود، دای جان ناپلئون بپیوندند و پرونده جنبش ملی - اسلامی با تمام تظاهر آن در عرصه سیاست همراه با سلسله و دودمان خود به فراموشخانه تاریخ سپرده شود. دفن ”راهکار“ جنبش ملی - اسلامی جامعه ایران را همراه با مبارزه برای رهائی کارگران از بردگی مزدی، خلاصی از زن ستیزی و اسلام پناهی و گذشته و

ارتجاع پرستی و کودک آزاری، به مسیر بی بازگشت مدنیت پیشرو و مثبت ارزشهای متمدن و انسانی در بافت سیاسی اجتماعی جامعه ایران رهنمون میشود. سوسیالیسم ایران به بستر اصلی خود در اروپای غربی پیوند خواهد خورد. این یک ضرورت تاریخی است که نیروی فعاله خود را بطور اجتماعی در جامعه ایران دارد: کمونیسم در ایران با تکیه بر پرولتاریای صنعتی ایران، با تکیه به دستاوردهای نیم قرن مبارزه طبقاتی و مهمتر از همه با تکیه بر درافزوده های منصور حکمت به

مارکسیسم این امر را تضمین میکند.

”کنگره وحدت“، در واقع آغازی بر یک پایان، نقطه پایانی بر شرق زدگی و اسلام زدگی این اپوزیسیون ضد کارگری و سرانجام نهائی شکست تلاشهای دیرین این اشباح شکست خورده و ضد کمونیست برای تخریب پیشداوریهها و تعصبات عرفانی و اسلامی و شرعی و ارتجاعی در اذهان مردم ایران است.

سلطه یک پدیده منقرض شده و همزاد جمهوری اسلامی را با گذاشتن نام ”حزب چپ ایران (فداییان خلق)“، نمیتوان اعاده کرد.

ادامه جنگ ...

برخلاف تاکید امروز بر لزوم تنبیه بشار اسد و نیروهای ایرانی، دیروز ترامپ خواهان خروج نیروهای آمریکا و لزوم پایان دادن به مخارج ۷ تریلیارد دلاری خزانه داری این کشور بود! هزینه ای که به گفته ترامپ، حتما منجر به قرارداد های مشخص و یا دسترسی به منابع نفتی نشده است! ترامپ سعی داشت که هزینه هنگفت این جنگ برای آمریکا را ناشی از سیاست هایی معرفی کند که از قرار هیچ ربطی به او و هیئت حاکمه آمریکا ندارد. سیاست هایی که ترامپ با پرچم دلسوزی و نجات مردم آمریکا، علیه آن وارد میدان شده است تا از هدر رفتن بودجه دولت جلوگیری کند! گویی ترامپ هم از شاکیان لشکر کشی ها و نقش ژاندارمی آمریکا است!

اظهارات ترامپ را نباید جدی گرفت. تناقضات و ضد و نقیض گویی هنر این آدم است؛ و عموما توسط مسئولین و مقامات گوناگون هیئت حاکمه آمریکا، تغییر و تنظیم شده است تا آنچه مورد قبول کل استبلیشمنت آمریکا باشد به پیش برده شود. پشتیبانی از تحریم های علیه قطر، اعلام خروج کامل و عدم دخالت در افغانستان، دراز کردن دست دوستی و نزدیکی به پوتین، و غیره از نمونه های آن اظهاراتی بود که مورد بازنگری و تغییر و تنظیمات مربوطه قرار گرفت. مشکل اصلی نه ترامپ بلکه کل هیئت حاکمه امروز آمریکا در این نیست که اظهارات ترامپ بطور کلی، متأثر از نیاز پاسخگویی به اوضاع داخل خود جامعه آمریکای امروز است، بلکه در این است که بتواند همان سیاست ژاندارمی و قدرت نظامی امپریالیسم آمریکا را در عرصه جهانی به پیش ببرد، ولی مخارج و هزینه آنرا نه خود آمریکا، بلکه دیگر کشورها و رقبای جهانی قرار است تأمین کنند. اقدامی که در خود، نیازمند نشان دادن ناامنی در سطح جهانی است. نمایش قدرت نظامی کرده شمالی، و بی ثبات کردن حیاط

خلوت چین، بخشی از همین سناریو بود که در آن آمریکا شکست خورد، و نتوانست حتما اتحاد ژاپن را تضمین کند. (مالیات بندی بر واردات مثلا فولاد و کالاهای مربوطه توسط چین، در پس این شکست اعلام شد. البته هنوز و اینجا هم آمریکا مجبور به عقب نشینی نشد و اروپا را از این پروسه برای کوتاه مدت معاف کرد). ارائه تصویر هولناک از قدرت نظامی روسیه نیز، بخش دیگری از همین سناریو بود. نمی شود به کشورهای عضو ناتو فشار آورد و آنها را مجبور کرد که بودجه و پرداختی های خود به این سازمان را مرتبا و هرساله افزایش دهند، اگر روسیه عامل و مقصر "ناامنی" معرفی نشود. تمام هیاهوی استفاده از سموم بیولوژیکی و عصبی، که در رابطه با جاسوس دو جانبه و قدیمی در انگلیس کل میدیا را به خود اختصاص داد، بخشی از ارائه جلب افکار عمومی در این سناریو است. جالب اینجاست که کل نیروی مسلح و نظامی روسیه، از نیروی نظامی و حی و حاضر بخش اروپای ناتو کمتر است!

باز هم مسلما روسیه و چین و اروپا و آمریکا و خلاصه تمامی قطب های جهانی سرمایه، هیچ کدام دست کمی از هم دیگر در کشتار و خشونت علیه مردم ندارند. امروز، اما، دیگر همچون گذشته جنگ های جهانی و نابودی برای حل رقابت هایشان علیه هم ممکن نیست. جنگ در سوریه، عرصه دیگری از همین رقابت بین قطب های جهانی است. عرصه ای که با نامعلومی مدل مورد قبول میان قطب های جهانی سرمایه، عدم وجود بالانس و تعیین و تکلیف در میان این قطب ها، هر باره و در این دوره در خاورمیانه و مشخصا اینجا در سوریه، بروز کرده است. جنگ امروز، ادامه همان سیاست و رقابت های بین قطب های سرمایه جهانی، بصورتی قهر آمیز است. رقابتی که تعیین و تکلیف آن، همچون دیگر جنگ های میان سرمایه داران، به کشتار و نابودی زندگی میلیون ها نفر دامن زده و می زند. در حقیقت همین

نامعلومی این دوره است که امکان ایفای نقش و قدرت دخالتگری را به بورژوازی و دولت های این منطقه داده است. اما این عصر، همچنان عصر امپریالیسم است، بدین معنی که نتیجه این دخالتگری ها، بر خلاف ادعاهای جنجالی و عامیانه، نه فقط و فقط منوط و ناشی از تصمیم بورژوازی کشورهای خاورمیانه (مشخصا ایران و عربستان و یا ترکیه)، بلکه از مجرای همان توافقات و رقابت های قطب های سرمایه داری جهانی می گذرد. برای نمونه، حملات ترکیه به غفرین بدون اجازه روسیه همانقدر پوچ است که مثلا حمله صدام به کویت بدون اطلاع آمریکا ممکن بود.

در چنین شرایطی است که نزدیکی و مذاکرات موجود ایران، ترکیه و روسیه ممکن شده است. اتحادی که خود نه دراز مدت، بلکه تنها متکی به شرایط کوتاه مدت امروز است. ترکیه و ایران، هر دو با وجود رقابت های سنتی شان، امروز به هم نیازمندند. نیازی که در مقابل عربستان سعودی و بورژوازی عرب، آنها را به نزدیکی با یکدیگر و همچنین اتکا به قدرت نظامی و حمایتی روسیه کرده است. این همان بستری است که نیازمند پمپاژ امکان جنگ و حمله نظامی عربستان سعودی است. در عین حال کاملا مسلم است که هرگونه تغییر و امتیاز دهی و امتیاز گیری بین آمریکا و روسیه، و یا آمریکا و ترکیه، میتواند این اتحاد سه جانبه را به همان سرعت متلاشی کند.

این خود بخشی از فرضیه ای است که جمهوری اسلامی به آن کاملا واقف است. در حقیقت، ادامه این شرایط و سعی جمهوری اسلامی در عرصه های گوناگون برای پیدا کردن راه حل و یا پیشرفت برای امتیاز گیری، همواره مبنای حرکت پی در پی حکومت در ایران بوده است. دوره ای اتکا به چین، دوره ای به روسیه، اروپا، و باز اروپا و روسیه با هم، ... همگی بخشی از پراگماتیسم دوره ای و روزمره جمهوری اسلامی بوده است. اما این پروسه هم، هر بار با مشکل مواجه بوده است. چون اروپا هم، همچون دیگر قطب

های سرمایه جهانی، آخر سر بنا به توافقات و بده و بستان های ماکرو تر، و نه کشوری و حتا منطقه ای، تصمیم می گیرد. همچنانکه در مذاکرات خود با آمریکا، در کنار برجام، به تحریم ها به بهانه موشکی رضایت می دهد.

به این ترتیب، مینا قرار دادن تبلیغات و عکس العمل های عامیانه ارائه شده نسبت به سخنرانی های ترامپ در ایران، توسط بخشی از اپوزوسیون، بیش از اندازه پوچ است. شکی نبود که مقامات جمهوری اسلامی، مثلا از خروج نیروهای آمریکایی به وجد آمده و آنرا یکی دیگر از ابراز ندامت های آمریکا در مقابل پیشروی های جمهوری اسلامی در سوریه معرفی کردند. پیشروی و پیروزی که لابد گواه بر قدرت جمهوری اسلامی، در مقابل دیگر رقبای منطقه ای قلمداد شد. پیروزی که لابد موجه بوده و می بایستی که قابل قبول مردم ایران باشد.

اما واقعیت عمیق تر و چند جانبه ای در پس این ماجرا، همچنان که در بالا اشاره شد، در جریان است. مدتی است که مسئله سوریه پاسخ خود را به درجه زیادی گرفته است و همه ادامه این جنگ را پروسه پایانی آن می دانند. بهرحال امروز می توان باری دیگر بر نکاتی تاکید گذاشت که قبلا هم چهارچوب اصلی روندهای آنرا، حزب ما بیان کرده بود. آگاهی و شناخت درست از این امر، برای ما کمونیست ها و طبقه کارگر، در پیشبرد مبارزات خود علییه کل جمهوری اسلامی، بسیار مهم و تعیین کننده است.

مبنای مشکل منطقه ای جمهوری اسلامی، به میزان زیادی، برای ترکیه و یا عربستان هم صادق است. برای نمونه عربستان بدنبال و هم جوار آمریکا به زمین و زمان رضایت می دهد، ولی در عین حال خوب می داند که می بایستی اروپا و چین را هم در کنار خود داشته باشد. سفرها و قراردادهای اخیر بن سلمان به اروپا، بخشی از همین نیاز است. فراتر اینکه، شرایط امروز دنیا آنچنان است که

همزمان، موقعیت اقتصادی هم عربستان و هم ایران و نیاز هر دو به درآمدهای نفتی، بیش از هر دوره گذشته، آنها را نیازمند همکاری با یکدیگر کرده و می کند. نمونه اخیر همین رابطه در مورد جلوگیری از افزایش قیمت بشکه نفت در اوپک بود. هر دو کشور، با وجود نیاز افزایش درآمدهای نفتی خود، خواهان جلوگیری از افزایش قیمت نفت شدند تا امکان گسترش و مقرون به صرفه شدن تولید نفت بیشتر در آمریکا را محدود کنند! یک دوره ترکیه با عربستان در مورد داعش هم سو بودند، در حالیکه بعد تر، بن سلمان بعد از تحریم قطر، اردوغان را محور شر اعلام می کند. نامعلوم بودن اوضاع امروز، همه را به شدت پراگماتیست کرده است. بی جهت نیست که تقریبا همزمان با اعلام خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه، بن سلمان هم اعلام می کند که در عرض ده یا پانزده سال آینده امکان تقابل نظامی و جنگ با ایران را تصور نمی کند! و یا ایران، ضمن تبلیغات خود علیه عربستان، برای همکاری های منطقه ای، روابط و دیدارهای با این کشور را ادامه می دهد.

با در نظر گرفتن چنین متنسی، پیشروی های منطقه ای جمهوری اسلامی نظیر دیگر رقبا در خاورمیانه، بسیار کوتاه مدت تر از آن است که خودشان اذعان می کنند. مضافا اینکه نا معلوم بودن اوضاع، آتهم در ادامه بحران های فعلی در کل سرمایه جهانی، برای جمهوری اسلامی به معنای ادامه این شرایط و باز هم پا در هوا ماندن توافقات برجام می باشد. به بیانی دیگر، جمهوری اسلامی حتی در منطقه هم راه برون رفتی از این شرایط ندارد. هر پیشروی جمهوری اسلامی در منطقه، خود می تواند به همان اندازه مایه سرخوردگی و عدم پیشروی در عرصه دیگری (نظیر برجام) را به همراه داشته باشد. و یا، مثلا گسترش روابط جمهوری اسلامی با و یا در لبنان، فورا با تقابل های اسرائیل مواجه شده و می تواند به از دست دادن برگه های امتیازی دیگری

شماره حکمت

حزب حکمتیست (خارسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

اول آوریل ۲۰۱۸

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ فروردین ۱۳۹۷

— حکمتیست (خط رسمی)

دولت قوم پرست و جنایتکار اسرائیل را باید به زیر کشید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

قتل عام اخیر دولت قوم پرست اسرائیل از مردم بیگناه و معترض فلسطین، برجای گذاشتن حداقل ۱۶ کشته و هزاران مجروح در تظاهرات اعتراضی آنها، بار دیگر چون پتکی بر سر بشریتی که دهه ها است شاهد مظلومیت مردم فلسطین و توحش دولت قوم پرست اسرائیل است، بشریتی که هربار با این جنایات خشم و فریاد حق طلبی اش بلند شده است، کوبید!

ابراز نگرانی شورای امنیت و دولت های متحد و حامی اسرائیل، ابراز ناخشنودی سازمان ملل از ابعاد افسارگسیخته جنایات دولت قوم پرست اسرائیل، تنها و تنها ریاکاری، بی شرمی و وقاحت سران جهان "متمدن" را به نمایش میگذارد.

ریاکاری و بی شرمی سران جهانی را به نمایش میگذارد که همزمان با جنایات دولت قتل عام اسرائیل و آنچه که آنها دهه ها است با مردم بی گناه فلسطین میکنند، در جدال قدرت با هم بر سر قربانی شدن این و آن جاسوس مشترک، روسی یا آمریکایی، بریتانیایی یا کره ای و چینی، آشوبی جهانی برافروشانند.

انتظار از این قدرت ها که علاوه بر ریاکاری در ابراز نگرانی، در این میان کاری در مقابل افسار گسیخته دولت جنایتکار و قوم پرست اسرائیل انجام دهند، توهمی بیش نیست.

فراخوان رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی محمود عباس، که: "جامعه جهانی باید وارد عمل شود و از ملت ما حفاظت کند" و انتظار از سران "جامعه جهانی" که نه تنها امروز منفعتی در احقاق حقوق مردم فلسطین ندارند که دهه ها از آن سود برده اند، تنها و تنها باز

→ نه تنها با غرب، بلکه با روسیه بیانجامد. کل خاورمیانه به همان اندازه بخشی از بن بستی است که جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است.

گرچه که بنیان این بن بست، به معنای عدم امکان رشد و گسترش سرمایه گزاری، نه فقط محدود به جمهوری اسلامی

ایران، بلکه در مورد دیگر کشورهای خاورمیانه هم صدق می کند، ولی برای جمهوری اسلامی، بالاخص بعد از اعتراضات دی ماه، آنهم در کشوری که خاطره و تاثیرات انقلاب ۵۷ را با خود همچنان حمل می کند، شکنندگی موقعیت جمهوری اسلامی امروز را بمراتب افزایش داده و

بیش از پیش ممکن کرده است. این موقعیت است که کل جمهوری اسلامی را تهدید می کند. موقعیتی که بورژوازی ایران را و بخش ها و جناح های آنرا را به تکاپو انداخته است. بی جهت نیست که باز هم صفوف پوزیسیون و اپوزیسیون بورژوازی را بهم ریخته است. حتا ناسیونالیسم

ایرانی با خواست های عظمت طلبی اش در منطقه نیز خود دستخوش تغییر و تحول، و بازیابی در مورد جمهوری اسلامی شده است. اعتراضات دی ماه گذشته، و ابراز وجود جنبشی که عاری از هرگونه توهم به امکان خروج از این بن بست توسط حتی بخش هایی از جمهوری اسلامی را نوید

داد، سوت پایان دوره های قبلی را زد. امروز شرایط دیگری را در کل جامعه و تناسب قوا ایجاد شده است، تناسبی که شناخت و آگاهی به آن، برای ما کمونیست ها و طبقه ای که خواهان پایان دادن به جمهوری اسلامی و کل نظام کارمزدی است، نه تنها مهم، بلکه تعیین کننده است.

مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم